

ترجمه از مجله العربی چاپ کویت



تمدن «اوگاریت»

و منظومه‌های حماسی آن

کشف شهر اوگاریت^۱ داستانی جالب دارد. نام این شهر باستانی تا قبل از سال ۱۹۲۹ معلوم نبود و فقط در بعضی از نامه‌هایی که در تل‌العمارنه مصر یافته بودند تاریخ آنها به قرن چهاردهم قبل از میلاد بازمیگشت و نیز در کتیبه‌هایی که در منطقه (ماری^۲) سوریه و در کتیبه‌هایی بخط میخی در «بغازکوی»^۳ آناتولی کشف شده بود، نامی از این شهر دیده میشد. در این نوشته‌ها هیچ‌یک به محل شهر اشاره‌ای نداشت و فقط خبری از آن بچشم میخورد. مثلاً در نامه‌ای که پادشاه صور به فرعون آمنوفیس^۴ چهارم فرستاده بود می‌گوید: «اوگاریت پایتخت آن کشور را بآتش کشیدم. نصف آن سوخت و اثری از نیمه دیگر باقی نماند».

در مارس سال ۱۹۲۸، کشاورزی سوری مزرعه خود را در قریه مینته‌البیضاء، نزدیک لاذقیه، با گاو آهن شخم میزد بناگاه خیش به سنگی برخورد و بانگی برخاست که انعکاس در همه جا پیچید. چون سنگ نزدیک بود تیغ گاو آهن را بشکند. آن را بکناری زد، حفره‌ای از زیر آن آشکار شد، بداخل آن رفت، راهروئی او را به یک قبر قدیمی رساند. کشاورز در آن هنگام نمی‌دانست برای کشف یکی از تمدن‌ترین و بزرگترین شهرهای

آقای علی محدث یکی از ترجمانان چهره دست‌معاصر

دنیای قدیم گام نخستین را برمیدارد. این شهر همان اوگاریت بود که اکنون به «رأس الشمرة» معروف شده است.

مقامات دولتی فرانسوی که در آن زمان بر سوریه سلطه داشتند دست بر آن منطقه نهادند و بفرهنگستان هنرهای زیبای پاریس خبر دادند. فرهنگستان هیئتی را بریاست کلود شفر بکوش آثار مأمور ساخت. هیئت کار خود را در تاریخ ۲ آوریل ۱۹۲۹ شروع کرد و پس از ۵ هفته خود را برابر تپه عظیمی دیدمشمتمل بر آثار ۵ شهر که طبقه به طبقه بروی هم بنا شده و در اثر حوادث زمانه بتدریج زیر خاک و شن مدفون گشته بود.

از آن تاریخ بعد، در پائیز هر سال، حفاریات دنبال شد و هر بار آثاری ممتاز و تحفه‌هایی ارزنده یافتند که موجب شگفتی و تحسین جهانیان میشد. حفاریات ادامه داشت تا اینکه بسبب جنگ جهانی دوم متوقف ماند. سپس دوباره از سال ۱۹۵۰ زیر نظارت دولت سوریه از سر گرفته شد.

طبقات تپه رأس الشمرة - پیش از آنکه از اوگاریت سخن بگوئیم بهتر آنست که بدانیم طبقات تپه رأس الشمرة به چه دوره‌هایی باز میگردد. کاوش‌ها نشان میدهد که تپه مذکور از ۵ طبقه باستانی تاریخی تشکیل شده است بترتیب زیر:

- طبقه پنجم: از عهد حجر قدیم (نیولیتی) هزاره ششم تا هزاره پنجم قبل از میلاد.
- طبقه چهارم: به نیمه اول هزاره چهارم قبل از میلاد.
- طبقه سوم: به نیمه دوم هزاره چهارم قبل از میلاد و تا سال ۲۱۰۰ قبل از میلاد.
- طبقه دوم: از سال ۲۱۰۰ تا ۱۶۰۰ قبل از میلاد.
- طبقه اول: از سال ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد.

در این مقاله همه گفتگوی ما به طبقه اول حفاریات تپه رأس الشمرة اختصاص می‌یابد. خصوصاً درباره قرنهای ۱۵ و ۱۴ و ۱۳ پیش از میلاد که دوره زرین اوگاریت محسوب میگردد. اطلاع ما از دوره‌های چهارگانه پیشین محدود است زیرا تنها آگهی از آن دوره‌ها همین اکتشافات تل رأس الشمرة است. بحث درباره همه آثار کشف شده از تل رأس الشمرة و تمدن اوگاریت هزاران صفحه را دربر میگیرد. لذا گفتگوی ما در این مقال منحصر به دو جنبه از جنبه‌های تمدن اوگاریت خواهد بود، الفبای اوگاریت و منظومه‌های حماسی آن.

الفبای اوگاریت - شارل ورنو میگوید: «ابتکار الفبا شگفت‌آورترین ابتکار انسان است.» معروف است که زبانهای باستانی ۱۵۰ تا ۲۰۰ حرف یا اشاره را برای کتابت بکار می‌بردند. در تل رأس الشمرة بسیاری از انواع این نوشته‌ها بر لوحهای گلی بدست آمد، از جمله آنها الواحی بخط میخی سومری و هیروگلیف مصری و بزبان حوری و

کرتی قبرس بود . علاوه بر این لوحه‌ها، الواح فراوان دیگری بدست آمد که در هنگام حفريات شناخته نشد. این لوحها از الواح سابق متمایز بود زیرا از لحاظ تدوین بازبانهای سابق اختلاف داشت و پیش از سی اشاره یا حرف در آنها بکار گرفته نشده بود . این نشان میداد که لوحه‌های مذکور دارای الفبای مخصوصی است . از این روی دانشمندان برای حل رموز آن به تکاپو افتادند .

شناخت آن الفبا بسیار مشکل بود. بمشکل بودن آن وقتی پی میبریم که بدانیم هیچ متنی از زبان رأس‌الشمرة بزبانی دیگر ترجمه نشده بوده است. در حالیکه مثلاً کتیبه رشیده که قبلاً در مصر کشف شده بود به دوزبان یونانی و هیروگلیف نوشته شده بود. پس از کوششهای فراوان هانس بوپرو و شارل ورنلو و ادوارد دورم، وفق به حل مشکلات آن شدند. سپس در نوامبر سال ۱۹۴۹ کشف جدید صورت گرفت که بر اهمیت این الفبا افزود. لوحه کوچکی که حروف زبان اوگاریتی بترتیب تلفظ بر آن نقش شده بود کشف گردید . این ترتیب تقریباً همان ترتیب الفبای یونانی است که اساس همه الفباهای فعلی جهان میباشد . بعد از حل رموز الفبای اوگاریتی ، لوحه‌هایی که بآن زبان نوشته شده بود ترجمه گردید و نیز با خواندن الواح دیگر که بزبانهای دیگر بود، صفحات درخشانی از تاریخ سرزمین سوریه روشن گشت باین ترتیب به اسنادی دست یافتیم که اهالی اوگاریت فعالیتهای مختلف فکری و جنبه‌های گوناگون تمدن رفیع خود را در آنها ثبت کرده‌اند . این سندها شامل مطالب زیر است : منظومه‌های حماسی ، قصائد اساطیری (میتولوژی) ، محاسبات ، نوشته‌های درسی ، نامه‌هایی (یا صورت حسابهایی) با اسامی اشخاص معین ، لوحه‌های تاریخی که حوادث مسلسل تاریخی را شامل است ، بحثهای تعلیمی ، نوشته‌هایی مربوط به شعائر و مراسم دینی ، فهرست قربانی‌های خدایان ، متون قضائی و رسمی ، نوشته‌های سیاسی و سندهای تجاری ، متونی مربوط به تنظیم امور لشکری ، فهرست‌هایی (یا صورت حسابهایی) با اسامی شهرها و دهات و اطلاعاتی از شهر اوگاریت و روش زندگی اهالی آن ، خصوصاً تقویم مورد استعمال ایشان .

پ	۳	پ	۱۱	ا	۱۰
ف	۲	ک	۱۲	ب	۱۱
ق	۱۲	س (نوش)	۱۳	ع	۱۲
ر	۱۳	ل	۱۴	خ	۱۳
ش	۴	ح (تقریباً)	۱۵	د	۱۴
غ	۱۴	ن	۱۶	و	۱۵
ت	۱۵	س (اولی)	۱۷	ر	۱۶
ا	۱۶	س	۱۸	ز	۱۷
ذ	۱۷	س	۱۹	ح	۱۸
س (تربا)	۱۸	ع	۲۰	ط	۱۹

الفبای اوگاریتی

منظومه‌های حماسی اوگاریت - در رأس الشمره ، بقایای کتابخانه‌ای پیدا شده

که بر صحیفه‌هایی از گل پخته نوشته شده است . این ملت بزرگ ، منظومه‌های حماسی خود را که کاخهای ادبی شمرده میشود بر آنها نقش کرده‌اند . این منابع نه تنها اطلاعاتی از دین فنیقیها بمانده بلکه نبوغ شعرای اوگاریت را بر ماروشن میسازد و تصویر بارزی از اجلال و بزرگداشت مردم آن شهر از عدل و نیکی منعکس می‌نماید . شعرا که زبان جامعه خود هستند در این اشعار به تبجیل و تمجید آرمانهای خود پرداخته ، از طبیعت و عالم وجود سخن گفته‌اند و صحیفه‌های مذکور را در طول روزگار چون آینه‌ای برای ما به یادگار گذاشته‌اند که خامی فکری آن ملت را در آن ببینیم . این منظومه‌های حماسی با حماسه بابلی گیلگمش از قدیم‌ترین منظومه‌های حماسی جهان شمرده میشود و بیش از ۹۰۰ سال بردو منظومه حماسی یونان ایللیاد و اوڈیسه قدمت دارند .

متأسفانه ، برخی از این منظومه‌ها بطور کامل بدست ما نرسیده و قسمت زیادی نابود شده است . از این رو برای داوری درباره آنها از جنبه هنری باید نهایت دقت را بکاربرد . این افتادگی‌ها ، تسلسل حوادث را در منظومه‌ها قطع میکند و در برخی موارد چنان زیاد است که از یک منظومه فقط چند بیت و احياناً نیم بیت و یا چند کلمه باقی مانده است . بهر حال ، مقصود آن نیست که این مقدار باقی مانده نمی‌تواند دیدمحتازی از ادب اوگاریت بماندهد . همانطور که سرستونی از یک معبد ، زیبائی هنر معماری آن معبد را می‌نمایاند ، گاه یک بیت شعر شیوا ، قطعه‌ای را که بیت مذکور تنها قسمت باقی مانده آنست جلوه گرمیکند . در این منظومه‌ها نفس ممتد شعری و موسیقی عالی داخلی و استعارات جذاب و قدرت تخیل و ابداع فراوانی دیده میشود . از آن جمله بعنوان نمونه «حماسه کیریت» را ذکر میکنیم .

حماسه کیریت - در حدود هزار بیت از این حماسه بدست ما رسیده است . حماسه سرگذشت شاه کیریت فرزند اله آیل واله اشهارت است . داستان میگوید که این پادشاه بینوای اندوهگین فرزندی نداشت و شبهای دراز را به بیدار خوابی میگذراند و میگريست . از قضا در یکی از شبها پس از گریستن فراوان ، خواب بر چشمانش غلبه کرد . در خواب پدرش آیل را دید که او را به نسل فراوانی بشارت میدهد بشرط آنکه با حوریه نوه زیبای «بابیل» پادشاه کشور او دوم ازدواج کند . از خواب برخاست و برای شکرگزاری قربانی هائی بخدایان تقدیم کرد ، سپس لشکری تجهیز نموده بجنگ مملکت بابیل رفت . بابیل پادشاه صلح جوی بود و با فرستادن هدایای گران قیمت خواست او را از جنگ بازدارد . اما کیریت برای مقصود خود سخت بایستاد . پس از این از سیاق کلام دانسته میشود که بابیل سرانجام نوه خود حوریه را بشاه کیریت تقدیم کرد . از دیدار آن زن زیبا که در شیرین ادایسی به الهه عنات و در زیبائی به الهه اشترتی می‌مانست چشمان کیریت روشن میشود و او را به کشور خود می‌آورد . در راه بازگشت ، اله آیل به استقبال او می‌آید و ازدواج آن دورا

تبریک میگوید و به هفت پسر و هفت دختر او را بشارت میدهد .
در بخش دوم منظومه فرزندان کیریت بزرگ و نیرومند شده دور پدر حلقه زده اند و
او را که از حادثه ای جان بدر برده شادباش میگویند .

بعد از این از سیاق کلام دانسته میشود که بسبب یک بیماری ، وقت مرگ کیریت
فرارسیده است . خانواده بخصوص دخترش شثمانات (یعنی هشتمین) میکوشند با مرگ
مقابله کنند . شثمانات که مورد تأیید اله آیل است و از جانب آیل حقوق اولین پسر با او
اعطا شده است چنان می‌گرید که مهر خدایان را بخود معطوف میکند .

ممکن است سؤال شود کیریت بچه مرضی دچار شده بود ؟ حماسه چنین پاسخ میدهد
که : مرض او بعلت سرکشی بر پدرش اله آیل و دور شدن از جاده حق و ظلم به رعیت است .
بعقیده شعرای او گاریت ظلم بزرگترین گناه است و بسبب آن او را شایسته خشم
خدایان دانسته اند .

اما شثمانات ، چنانکه گذشت ، با گریه درد آلود خود و با قربانی‌هایی ارزشمند که
خدایان تقدیم داشت توانست مهر خدایان را برانگیزد بطوریکه پدر را مورد عنو و
آمزش قرار دهند و بهبود بخشند .

در این مرحله او را می‌بینیم که از بستر بیماری برخاسته و خود را برای زندگی
آماده میکند که ناگاه یکی از پسرانش وارد میشود و بر او فریاد میکشد :

- آیا چوگان را بزمین انداختی ؟

- حق بیوه زن را باید بدهی

- و باید به داد مظلوم برسی

- و باید دزدان را بقتل آوری

- آنان را که در جلوی روی تو بینوایان را تاراج میکنند

- و باید یتیم را سیر کنی

- و گرنه از تخت سلطنت پایین بیا

- تا من حکومت کنم

- از تخت فرمانروایی پایین بیا

- تا من بر آن حکمروا باشم .

پدر خشمگین میشود و فرزندش را نفرین و بخرم خدایان تهدید می‌نماید .

پس از این چه اتفاق می‌افتد ؟ نمیدانیم . و شاید بعدها لوحه‌های جدیدی کشف شود

که حماسه کیریت را دنبال کند .

1- Ugarit 2- Mary 3- Bogazkoy 4 - Amenophis

۵ - رشید (Rosette) شهری است در مصر. در سال ۱۷۹۹ شامپولین کتیبه‌ای در آن

یافت بنحط یونانی و هیروگلیف . و توانست حروف هیروگلیف را از یکدیگر جدا کرده اصول
زبان هیروگلیف را بشناسد . (مترجم)

۶ - از مقاله‌ای در مجله العربی (چاپ کویت - شماره ۲۲۷ - اکتبر ۱۹۷۷) بقلم

محمد حمزه کیلانی (از شهر حماة در سوریه) .